

Identifying Peer Review Problems in Journals of Iranian Ministry of Science: Issues and Solutions¹

Alireza Jahani 

M.Sc. Student in Psychometrics (Assessment and measurement), Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
E-mail: AlirezaJahani2001@gmail.com

Keyvan Salehi * 

Corresponding Author:
Associate Professor, Department of Methods, Educational Planning and Curriculum Development; Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.
E-mail: keyvansalehi@ut.ac.ir

ABSTRACT

Objective: Peer review is one of the most essential tools for ensuring the quality of scientific articles, playing a fundamental role in evaluating research and maintaining the academic credibility of journals. However, in domestic journals, this process faces numerous challenges that can negatively affect the quality and integrity of published articles. This study aims to identify the issues present in the peer review process of domestic journals and propose solutions for improvement.

Method: This study employed a qualitative approach and phenomenological method. Data were collected through semi-structured interviews with ۱۲ key informants who had experience in submitting and reviewing academic articles. Colaizzi's method was used for data analysis, and the extracted concepts were categorized into key thematic categories.

Results: Findings indicated that the challenges in the peer review process of domestic journals can be categorized into four main themes: "ethical issues in peer review" including bias in judgment, structural problems in the review process, low-quality reviews, and deficiencies in validation and indexing; "technological infrastructure issues" including weak user interface design and poor system performance and speed; "educational and research policy issues" including lack of motivation among reviewers and excessive emphasis on publication quantity over quality; and "transparency issues" including ambiguity in financial policies and subjective evaluation criteria.

Conclusion: The peer review process in domestic journals requires reforms in policy-making, technology, research ethics, and transparency. Enhancing the reviewers' incentive system, increasing transparency in peer-review policies, upgrading technological infrastructure, and establishing unified and fair standards for accreditation and quality assurance are among the proposed solutions to improve the quality of manuscript review in academic journals. Implementing these suggestions can enhance the quality of published articles, boost the credibility of domestic journals, and pave the way for scientific authority.

Keywords: Phenomenology, Peer Review Challenges, Peer Review, Scientific Writing, Scientific journals

¹ The article is based on an independent study conducted between June and December 2024.

مشکلات فرایند داوری در مجلات علمی وزارت علوم: علل و راهکارها^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌سنجی (سنجش و اندازه‌گیری)، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: AlirezaJahani2001@gmail.com

علیرضا جهانی 

نویسنده مسئول: دانشیار گروه روش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

رایانامه: keyvansalehi@ut.ac.ir

کیوان صالحی 

چکیده

هدف: داوری هم‌تا یکی از مهم‌ترین ابزارهای تضمین کیفیت مقالات علمی است که نقش اساسی در ارزیابی پژوهش‌ها و تامین اعتبار علمی مجلات ایفا می‌کند. با این حال، در مجلات داخلی، این فرایند با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که می‌تواند بر کیفیت و اعتبار مقالات تأثیر منفی بگذارد. پژوهش حاضر با هدف واکاوی در تجربه زیسته شرکت‌کنندگان به منظور شناسایی مشکلات موجود در فرایند داوری مجلات داخلی و ارائه راهکارهایی برای بهبود انجام شد.

روش: این مطالعه با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نفر از م‌اطلعان که تجربه ارسال و داوری مقالات برای مجلات علمی وزارت علوم را داشتند، گردآوری شد. تحلیل داده‌ها بر اساس راهبرد گلایزی انجام شد.

یافته‌ها: برپایه تجربه زیسته شرکت‌کنندگان، مشکلات داوری در مجلات علمی وزارت علوم در حوزه علوم رفتاری را می‌توان در چهار مضمون اصلی شامل مشکلات معطوف به اخلاق داوری، مشکلات معطوف به زیرساخت فناوری، مشکلات معطوف به سیاست‌های آموزشی پژوهشی و مشکلات معطوف به شفافیت دسته‌بندی کرد. در حوزه «مشکلات معطوف به اخلاق داوری» مواردی شامل سوگیری در داوری، مشکلات ساختاری در فرایند داوری، کیفیت پایین داوری، اعتبارسنجی و نمایه‌سازی؛ در حوزه «مشکلات معطوف به زیرساخت فناوری» مواردی شامل ضعف در رابط کاربری و عملکرد و سرعت؛ در حوزه «مشکلات معطوف به سیاست‌های آموزشی پژوهشی» مواردی شامل فقدان انگیزه داوری و تمرکز بر تعداد؛ و در حوزه «مشکلات معطوف به شفافیت» مواردی شامل ابهام در مسائل مالی و ذهنی بودن ملاک‌های ارزیابی، شناسایی گردید.

نتیجه‌گیری: فرایند داوری در مجلات علمی حوزه علوم رفتاری وزارت علوم به اصلاحاتی در حوزه‌های سیاست‌گذاری، فناوری، اخلاق پژوهشی و شفافیت فرایندها نیازمند است. بهبود نظام انگیزشی داوران، افزایش شفافیت در سیاست‌های داوری، به‌روزرسانی زیرساخت‌های فناوری و تدوین ملاک‌ها و استانداردهای یکپارچه و عادلانه در ارزیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت از جمله راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای کیفیت داوری مقالات در مجلات علمی است. اجرای این راهکارها می‌تواند ضمن افزایش کیفیت مقالات منتشرشده به بهبود اعتبار علمی مجلات داخلی و زمینه‌سازی حرکت به سمت مرجعیت علمی منجر شود.

واژه‌های کلیدی: پدیدارشناسی، چالش‌های داوری، داوری هم‌تا، نگارش علمی، مجلات علمی

^۱ مقاله برگرفته از پژوهش آزاد است که در بازه زمانی خرداد تا دی ۱۴۰۳ انجام شده است.

مقدمه

علم پایه و اساس ادراک ما از جهان را فراهم می‌سازد. تحقیقات علمی منجر به اکتشافات بسیاری شده که جامعه را به شیوه‌های بی‌شماری متحول نموده و به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها کمک شایانی کرده است (اکاشا^۱، ۲۰۱۶). در این میان مقالات پژوهشی به‌عنوان ابزاری برای انتشار دانش و هدایت مسیر علمی نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. با انتشار یافته‌های تحقیقاتی از طریق مجلات علمی، دانشمندان می‌توانند یافته‌های خود را با مخاطبان بیشتری به اشتراک گذاشته، سهم خود را در پیشبرد علم نشان دهند و با دریافت بازخوردهای ارزشمند از سایر پژوهشگران، مسیر علمی خود را توسعه دهند. دانشمندان با قرار دادن یافته‌های خود در معرض بررسی دقیق همتایان، اعتبار تحقیقات خود را تضمین می‌کنند. علاوه بر این، محققین می‌توانند با مطالعه دانش موجود، مسیرهای تحقیقاتی جدید را شناسایی کنند و علم را در مسیر توسعه و حل مشکلات بشر به جلو حرکت دهند. به بیانی دیگر پایه‌ای برای تحقیقات آینده فراهم می‌کنند (پیترز و سکی^۲، ۱۹۸۲).

روزانه مقالات بسیار زیادی منتشر می‌شود. توجه به کیفیت انتشارات علمی برای پیشبرد دانش اهمیت زیادی دارد. اسناد علمی با کیفیت بالا نوید می‌دهند که یافته‌های آن‌ها قابل اعتماد و تکرارپذیر هستند. مجلات علمی معتبر، تنها اسنادی را منتشر می‌کنند که مورد داوری همتایان قرار گرفته است (بورنمان و دانیل^۳، ۲۰۱۰). در دنیای علمی امروز داوری توسط همتایان مهمترین ابزار ارزیابی پژوهش و اسناد علمی است (زیمان^۴، ۲۰۰۰). به عبارتی دیگر کیفیت داوری همتا، سنگ بنای انتشار علمی است (تکسیارادی سیلو و یامادا^۵، ۲۰۰۰). از طریق ارزیابی نقادانه و دلسوزانه متخصصان، داوری همتا به شناسایی و رفع نقص‌های احتمالی می‌کند. فرایند داوری، بررسی تمامی اجزا سند علمی از جمله مقدمه، روش‌شناسی، تحلیل داده‌ها، نتیجه‌گیری و انسجام کلی مطالب را شامل می‌شود. این فرایند تضمین می‌کند که تنها تحقیقات مستدل و علمی منتشر می‌شوند و یکپارچگی مبانی نظری علمی حفظ می‌شود. علاوه بر این داوری همتا نقش مهمی در تقویت همکاری‌های علمی ایفا می‌کند. داوران با ارائه بازخورد سازنده به نویسندگان کمک می‌کنند تا تحقیقات خود را بهبود بخشند و بر کیفیت پژوهش خود بیفزایند (گوبلی، فاستر، بهجی و هلمن^۶، ۲۰۲۳).

گرچه داوری با کیفیت و دقیق پیامدهای مثبتی به همراه می‌آورد، داوری نادرست همتایان می‌تواند عواقب قابل‌توجهی برای جامعه علمی داشته باشد. برای اینکه فرایند داوری همتا از کیفیت مطلوب برخوردار باشد لازم است عناصری کلیدی را در خود داشته باشد. به‌عنوان مثال کارشناسان و همتایانی که داوری می‌کنند باید در زمینه محتوایی مقاله ارسال‌شده و همچنین روش‌شناسی پژوهش، از صلاحیت کافی برخوردار باشند. در یک داوری مطلوب، داوران با ارائه بازخوردهای سازنده، شفاف، دقیق و کامل، زمینه ارتقا کیفیت سند علمی را فراهم می‌کنند. به‌علاوه، لازم است داوران در طول فرایند بررسی و بعد از آن ناشناس باقی بمانند و ارتباط بین داوران و نویسندگان از طریق دفتر مجله انجام شود تا از سوگیری‌های احتمالی جلوگیری شود. مجلات موفق و معتبر، فرایند داوری مقالات دریافتی را به‌صورت گام‌به‌گام و واضح برای نویسندگان در قالب نمودار و یا ویدیوهای آموزشی شرح می‌دهند. شکل ۱ به‌عنوان مثال از انتشارات الزویر^۷ ارائه شده است.

¹ Okasha

² Peters & Ceci

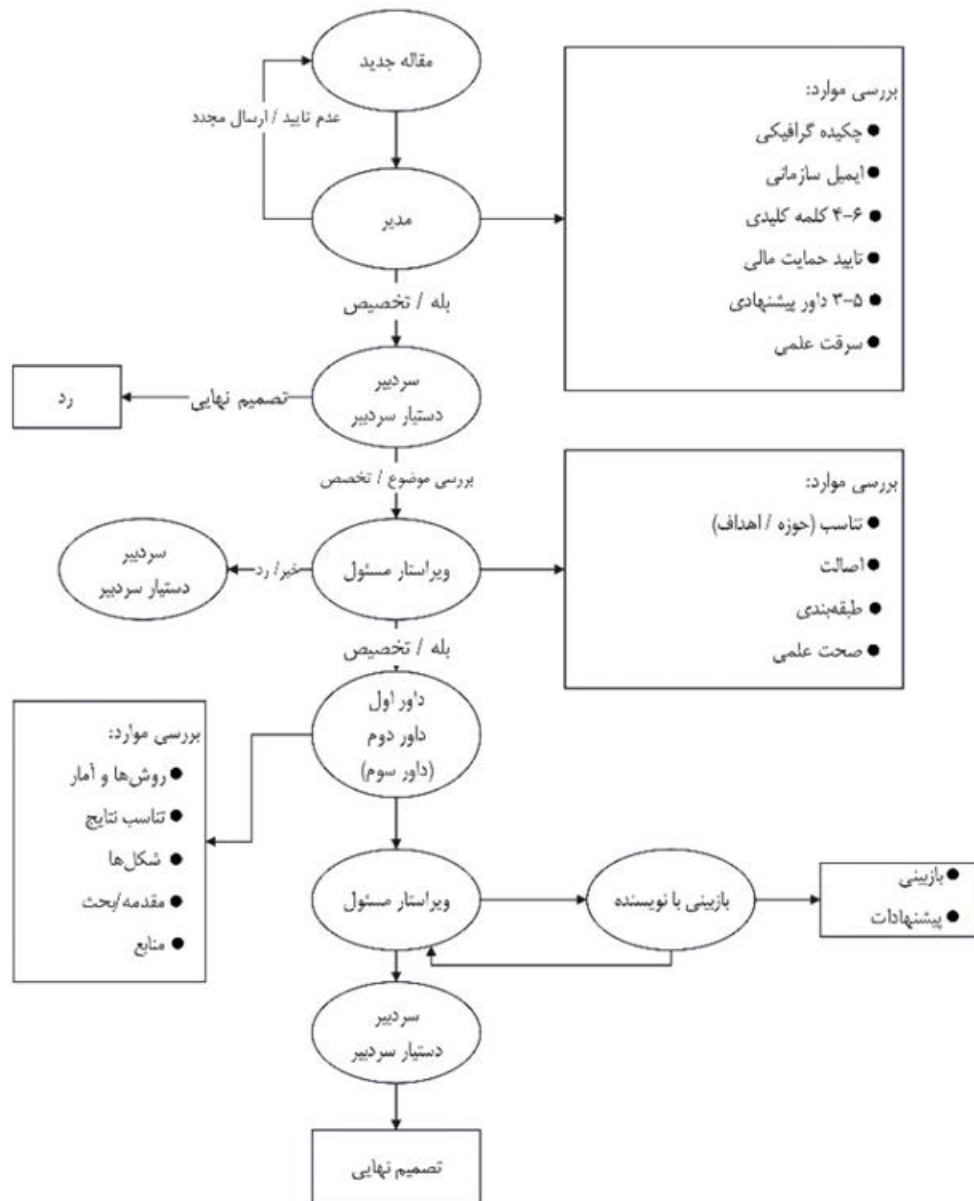
³ Bornmann & Daniel

⁴ Ziman

⁵ Teixeira da Silva & Yamada

⁶ Guebaly & Foster & Bahji & Hellman

⁷ Elsevier



شکل ۱ نمودار فرایند داوری از انتشارات الزویر

باوجود استفاده گسترده از داوری همتا در مجلات معتبر علمی سراسر دنیا، داوری همتا می‌تواند با سوگیری و اشکالاتی مانند تبعیض‌های جنسیتی، خویشاوند گرایی، تبعیض‌های مبتنی بر موقعیت و جایگاه نویسندگان، تبعیض‌های دانشگاهی، دخالت نگرش‌های سیاسی در انتخاب مقالات و مسائل دیگر همراه باشد (بلکبرن و هاگل^۱، ۲۰۰۶). این به‌گونه‌ای است که برخی به نقد فرایند داوری همتا پرداخته و به دنبال روش‌های جایگزین برای ارزیابی اسناد علمی هستند (هوپ و مونرو^۲، ۲۰۱۹). زمانی که فرایند داوری همتا از کیفیت مطلوب برخوردار نباشد می‌تواند به انتشار تحقیقات ناقص یا نادرست منجر شود و اعتبار مبانی نظری علمی را تضعیف کند. همچنین با از دست رفتن اعتماد عمومی

¹ Blackburn & Hakel

² Hope & Munro

به تحقیقات علمی منتشرشده، تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد دشوار می‌شود (تنت و راس‌هلائر^۱، ۲۰۲۰). درنهایت انتشار تحقیقاتی که از اعتبار آن‌ها اطمینان کافی حاصل نشده و موردبررسی دقیق واقع نشده‌اند، می‌تواند با منحرف کردن منابع، مانع از پیشرفت علم شود.

نتیجه مطالعه اردکان، میرزایی و شیخ‌شعاعی (۱۳۸۷) نشان داد که سه مسئله "طولانی‌بودن داوری مقاله‌ها"، "کیفیت ضعیف نگارش مقاله‌ها" و "مشکلات مالی" مهم‌ترین مشکلات مطرح‌شده در مجلات ایرانی است که توسط سردبیران مجلات علمی ایران هستند. ایشان در مطالعه خود اذعان کردند که فرایند داوری در مقالات مجلات علمی در ایران نوپاست و قدمت آن به‌صورت رسمی و خوشبینانه، به اولین مجلات علمی برمی‌گردد یا اینکه عمری برابر با نهاد آموزش عالی در ایران دارد و فاقد پیشینه قابل‌توجهی در سیاست‌گذاری رسمی و نوشته‌های مکتوب رسمی و غیررسمی است. فرایند داوری مقالات در مجلات ایرانی هم‌اکنون متأثر از شیوه تولید دولتی علم در ایران و سیاست‌گذاری‌های متمرکز و رسمی در توزیع منابع و امتیازات در حوزه علم است. فرایند داوری مقالات مجلات علمی در ایران فاقد سبک‌های ابتکاری و رقیب در نوع داوری است و به‌شدت بر هیئت تحریریه متکی است (اردکان، میرزایی و شیخ‌شعاعی، ۱۳۹۱). نتیجه مطالعه رجبعلی بگلو، حاجی‌عزیزی، ثقه‌الاسلامی، کریمی، و رجبعلی‌بگلو (۱۳۹۸) نشان داد که در بخش تحلیل محتوای اسناد از ۱۰۲ نمونه، نقض اخلاق داوری در مؤلفه‌های «پابندی به زمان»، «بیان احترام‌آمیز و منصفانه»، «ارائه پیشنهاد سازنده و عینی» و «مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی» رخ داده که از میان این مؤلفه‌ها، نمونه‌های مرتبط با نقض اخلاق در «بیان احترام‌آمیز و منصفانه» و «پیشنهادهای عینی و سازنده» بیش از سایر مؤلفه‌ها تکرار شده بودند. همچنین، به ازای هر ۶٫۶ داوری (۱۵ درصد داوری‌ها) یک نقض اخلاق داوری از نظر «پابندی به زمان» رخ داده بود. ابراهیم پور، ثناگو و جویباری (۱۴۰۱)، به مشکلات متعددی در حوزه داوری همتا اشاره می‌کنند. ایشان یکی از مهم‌ترین مشکلات سردبیران نشریات، دسترسی به داوران حرفه‌ای، مقید و وقت‌شناس معرفی می‌کنند و اذعان می‌دارند که فرایند داوری از نواقصی مانند تعصب، عدم شفافیت و حسادت حرفه‌ای رنج می‌برد. به‌طوری که به‌عنوان فرآیندی غیرشفاف، جانب‌دارانه و معیوب موردنقد و بحث قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد اکنون زمان آن فرارسیده است که ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از نقش‌های اخلاقی بررسی هم‌تایان انجام شود، حتی بررسی هم‌تای جایگزین با استفاده از فناوری‌های جدید نیز مطرح شده است. ایشان در مقاله خود و مبتنی بر گفتمان غیررسمی نویسندگان با برخی از همکاران دانشجو و اعضای هیئت‌علمی چنین مواردی را گزارش کرده‌اند: "...گاهی اوقات انگار برحسب حب و بغض تصمیم گرفته میشه و انصاف و عدالت از بین میره..."، "مدت‌ها برای داوری اولیه مقاله‌ام، معطل شدم بعد یک سال پیگیری، کارشناس مجله گفته که داور خیلی شکاکه و میگه بهم توهین‌شده که چرا تمام کامنت‌هاش اعمال نشده... در صورتی که نظراتی که اعمال نشد، ادله علمی آوردیم و خیلی محترمانه متن‌ها رو نوشتیم... ولی انگار داور احساس تسلط خاصی داشت..." از سوی دیگر، عدم درک صحیح داوران از محدودیت زمانی و حیاتی بودن زمان انتظار برای برخی از نویسندگان به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی، سخت‌گیری بیش‌ازحد، نگاه از بالا به پایین نسبت به تولیدات علمی سایرین، نقدناپذیری و انتظار اعمال تمام نظرات داوری، از نقدهایی است که در زمینه داوری مطرح شده است. به نظر می‌رسد فرایند داوری که خود می‌تواند با اثر بر تولیدات دانش بر کیفیت سلامت اثر بگذارد، تحت تأثیر عوامل زیادی است و گاهی از فضای حرفه‌ای بودن دور می‌شود. تا حدی که به‌جای نقدهای سازنده از کار پژوهش و بهبود کیفیت تولیدات علمی، فضایی جهت وارد کردن نقد بر گروه تحقیق می‌شود. این پدیده از طرف نویسندگان به‌ویژه نویسندگان دانشجو به دو صورت: داوری همراه با توهین و مغرضانه، داوری اشتباه، نامناسب و پوچ، درک می‌شود.

¹ Tennant & Ross-Hellauer

به‌رغم اهمیت توجه به کیفیت فرایند داوری مقالات و اسناد علمی، پژوهش‌های محدودی به‌طور تجربی سوگیری‌های موجود در داوری هم‌تا را بررسی کرده‌اند. شواهد موجود مواردی از جمله طولانی بودن فرایند داوری، فقدان نشانگرهای دقیق برای داوری و لغزش‌های اخلاقی را در داوری هم‌تا را نشان می‌دهد (مطلبی‌فرد، نوه‌ابراهیم، محبت و سادین، ۲۰۱۳). پرواضح است شناسایی سوگیری‌ها و نواقصی که در فرایند داوری وجود دارد؛ اولین گام در بهبود این فرایند محسوب می‌شود و تا اطلاعات مناسبی در این زمینه به دست نیاید نمی‌توان گامی در راستای اصلاح آن برداشت. بر همین اساس، مطالعه حاضر با هدف استفاده از تجارب زیسته شرکت‌کنندگان در شناسایی انواع مشکلات و عوامل افت کیفیت داوری در مجلات علمی به منظور تصمیم‌سازی و ایجاد بستر مناسب برای بهبود کیفیت داوری در مجلات علمی انجام گرفت و تلاش شد تا به این سؤال که "برپایه تجربه زیسته شرکت‌کنندگان، انواع مشکلات فرایند داوری در مجلات علمی وزارت علوم چیست؟" پاسخ داده شود.

روش پژوهش

هنگامی که پژوهشگران به دنبال درک عمیق و معنای پدیده‌های اجتماعی هستند، روش‌های کیفی را برمی‌گزینند (کلارک و کرسول^۱، ۲۰۱۴). در میان روش‌های کیفی، پدیدارشناسی به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا ساختار و معنای پدیده‌ها را از منظر تجربه زیسته افراد بررسی کنند. به عبارت دیگر، پدیدارشناسی به دنبال کشف ماهیت و جوهره درک و آگاهی افراد از پدیده مورد مطالعه است (کرسول و پف^۲، ۲۰۱۷). در این پژوهش، پدیده داوری مقالات علمی و آسیب‌شناسی آن از دیدگاه ۱۲ مطلع^۳ شامل دو گروه اصلی، یعنی دانشجویان و اساتید، مورد بررسی قرار گرفت. برای انتخاب شرکت‌کنندگان در پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی استفاده شد. بدین منظور، افرادی که ویژگی‌هایی نظیر الف: سابقه ارسال مقاله به مجلات علمی داخلی در حوزه علوم رفتاری داشتند، ب: حداقل دانشجوی دکتری در حوزه مرتبط با آموزش عالی بوده و ج: تمایل به شرکت در پژوهش را داشتند، انتخاب شدند.

به‌منظور گردآوری داده‌ها، از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد. برای ساخت و رواسازی پروتکل مصاحبه، از اصول و فرایند پیشنهادی بنی‌اسدی و صالحی (۲۰۱۹) استفاده شد. در دوازدهمین مصاحبه اشباع داده‌ها حاصل شده و فرایند انجام مصاحبه‌ها متوقف گردید. ویژگی‌های جمعیت شناختی مطلعان کلیدی در این مطالعه در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

¹ Clark & Creswell

² Creswell & Poth

³ informant

جدول شماره ۱) ویژگی‌های جمعیت شناختی مطلعان شرکت‌کننده در فرایند گردآوری داده‌ها

شماره	رشته تحصیلی	مدت زمان مصاحبه	مرتبه علمی (دانشجو / استاد)	شماره	رشته تحصیلی	مدت زمان مصاحبه	مرتبه علمی (دانشجو / استاد)
۱	سنجش و اندازه‌گیری	۵۴	دانشیار	۸	سنجش آموزش	۸۳	دانشیار
۲	آموزش پزشکی	۲۶	استاد	۹	فناوری اطلاعات	۲۳	استاد
۳	سنجش و اندازه‌گیری	۴۵	دانشجو	۱۰	علوم کتابداری	۱۰	استاد
۴	مشاوره	۳۷	دانشجو	۱۱	مشاوره	۱۱	دانشیار
۵	سنجش و اندازه‌گیری	۲۲	استاد	۱۲	روان‌شناسی تربیتی	۱۳	استاد
۶	سنجش و اندازه‌گیری	۲۳	دانشجو				
۷	مدیریت آموزشی	۳۹	استاد				

مصاحبه‌ها به سه روش حضوری، تلفنی و برخط انجام شدند. به منظور حفظ محرمانگی اطلاعات و رعایت اصول اخلاق پژوهش، نام شرکت‌کنندگان حذف شده و داده‌ها بر اساس جنسیت و شغل (دانشجو یا استاد) و یک کد شناسایی طبقه‌بندی شدند. برای ارتقای اعتبارپذیری^۱ یافته‌ها، از فنون و راهبردهایی نظیر حضور طولانی مدت در محیط پژوهش و صرف زمان طولانی با شرکت‌کنندگان، تبادل نظر با همتایان^۲، کنترل از سوی اعضا^۳، استفاده شد. همچنین از سه‌سویه‌نگری^۴ مبتنی بر تنوع بخشی در تعداد مصاحبه‌شوندگان (اعضای هیئت علمی و دانشجویان) بهره گرفته شد. همچنین تلاش شد تا با توصیف دقیق زمینه مطالعه، پیش فرض‌ها و شرایط پژوهش و ارائه جزئیات آن، زمینه لازم برای افزایش انتقال‌پذیری^۵ یافته‌های پژوهش فراهم شود. به منظور ایجاد قابلیت اطمینان^۶ به پژوهش، تلاش شد تا با تشریح جزئیات مربوط به چگونگی گردآوری داده‌ها، نحوه تصمیم‌گیری‌ها، تفسیر و تحلیل‌های طی شده در فرایند پژوهش، زمینه‌ای برای انجام «مسیرنمای حسابرسی»^۷ فراهم شود. همچنین برای ارتقای تایید پذیری^۸ یافته‌های پژوهش، تلاش شد تا با استفاده از یادداشت میدانی و در فرایند تحلیل و تفسیرهای انجام‌شده تا آنجا که امکان‌پذیر است، اندیشه‌ها، باورها و انتظارات ذهنی پژوهشگران در جریان گردآوری و تحلیل داده‌ها کنترل شود. برای تحلیل داده‌ها اقداماتی نظیر مرور یادداشت‌های تدوین شده بلافاصله بعد از انجام هر مصاحبه برای تعدیل و تکمیل مطالب یادداشت و همچنین تحلیل با استفاده از روش هفت مرحله‌ای گلایزی^۹ (۱۹۷۸) انجام شد. بدین منظور گام‌های زیر برداشته شد:

ابتدا در مرحله "آشنایی با داده‌ها" و به منظور درک عمیق مطالب بیان شده توسط شرکت‌کنندگان، تمام مصاحبه‌ها را به صورت کامل و دقیق مطالعه کردیم. در ادامه و در مرحله "استخراج عبارات مهم"، به هر پروتکل مراجعه نموده و جملات و عباراتی که به طور مستقیم به موضوع پژوهش و پدیده مورد مطالعه مرتبط هستند، استخراج کردیم. بدین منظور مراحل فوق را برای تک تک مصاحبه‌ها تکرار کردیم. در

1. Credibility
2. peer debriefing
3. member check
- 4 triangulation
5. transferability
6. dependability
7. auditing trail
8. confirmability
9. Colaizzi

مرحله سوم برای "فرموله کردن معانی"، تلاش کردیم تا معنای دقیق و عمیق هر یک از جملات کلیدی استخراج شده را درک کنیم سپس، معانی استخراج شده که به لحاظ مفهومی به هم مرتبط هستند، در قالب مضامین دسته‌بندی شدند؛ در انتها یافته‌ها در قالب یک توصیف جامع از موضوع مورد پژوهش ترکیب شدند. در نهایت توصیف جامع پدیده تحت مطالعه را به صورت یک بیانیه صریح و روشن از ساختار اساسی پدیده مورد مطالعه فرموله کردیم. این مرحله اغلب با عنوان "ساختار ذاتی پدیده" نام‌گذاری می‌گردد. در راستای رواسازی و غنی‌تر شدن یافته‌های پژوهش، ضمن استفاده از مرور متخصصان و مرور اعضا؛ با چند سویه‌سازی منابع جمع‌آوری داده‌ها (دانشجویان و اساتید) تلاش کردیم اعتبار یافته‌های این مطالعه، افزایش یابد

یافته‌های پژوهش

تحلیل گفته‌های شرکت‌کنندگان به شناسایی چهار مضمون "مشکلات معطوف به اخلاق داوری"، "مشکلات معطوف به زیرساخت فناوری"، "مشکلات معطوف به سیاست‌های آموزشی - پژوهشی" و "مشکلات معطوف به شفافیت" و نه زیر مضمون شامل سوگیری در داوری، مشکلات ساختاری در فرایند داوری، کیفیت پایین داوری، اعتبارسنجی و نمایه‌سازی، ضعف در رابط کاربری، عملکرد و سرعت، ابهام در مسائل مالی، ذهنی بودن ملاک‌های ارزیابی، فقدان انگیزه و تمرکز بر تعداد منجر گردید. در ادامه هر یک از مضامین به همراه زیر مضامین و نشانگرهای آن در قالب جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲) یافته‌های پژوهش؛ ماخذ: نگارندگان

مضامین	زیر مضامین	نشانگر
مشکلات معطوف به اخلاق داوری	سوگیری در داوری	• قضاوت بر اساس جایگاه نویسنده • قضاوت بر اساس دانشگاه و وابستگی سازمانی • انتخاب مقالات همکاران • سفارشی شدن داوری • توجه ناکافی به رعایت چند سو کور بودن
		• فرایند طولانی مدت • فقدان نظارت و مدیریت
	مشکلات ساختاری در فرایند داوری	• وجود تعارض منافع • توجه ناکافی به تناسب تخصص داور با محتوای مقاله • تأکید نشانگرها بر رویکرد کمی
		• بازخوردهای تکراری و بی‌دقت • نگاه بالا به پایین
		• پاسخگو نبودن • جعلی بودن اطلاعات
	کیفیت پایین داوری	• کم‌توجهی به بین‌المللی سازی نمایه‌ها • کم‌توجهی به تعامل بین‌المللی
		• دسترسی‌پذیری ضعیف
	اعتبار سنجی و نمایه‌سازی	
مشکلات معطوف به	ضعف در رابط کاربری	

• توجه ناکافی به سنجش نظر کاربر • طراحی نامناسب • توجه ناکافی به نگهداری اطلاعات • سرعت پایین • زمان بارگذاری صفحات • لینک‌های اشتباه	زیرساخت فناوری عملکرد و سرعت
• دستمزد ناچیز داوری • کم‌توجهی به ظرفیت داوران • استاد: کارخانه تولید مقاله • فشار روانی دانشجویان	مشکلات معطوف به سیاست‌های آموزشی پژوهشی فقدان انگیزه داوری تمرکز بر تعداد
• سیاست‌های پرداخت مبهم • تفاوت در هزینه‌ها بدون توضیح • توجه ناکافی به شفافیت در اطلاعات هزینه‌ها • داوری سلیقه‌ای • تنوع گسترده فهرست واریسی‌ها و ملاک‌ها • فقدان ضریب و وزن دهی مناسب نشانگرها	مشکلات معطوف به شفافیت ابهام در مسائل مالی ذهنی بودن ملاک‌های ارزیابی

❖ مضمون اول: مشکلات معطوف به اخلاق داوری

چهار نشانگر قضاوت بر اساس جایگاه نویسنده، قضاوت بر اساس دانشگاه و وابستگی سازمانی، انتخاب مقالات همکاران و سفارشی شدن داوری زیر مضمون سوگیری در داوری را تشکیل می‌دهند. شش نشانگر توجه ناکافی به رعایت چندسوکور بودن، فرایند طولانی مدت، فقدان نظارت و مدیریت، وجود تعارض منافع، توجه ناکافی به تناسب تخصص داور با محتوای مقاله و تأکید نشانگرها بر رویکرد کمی زیر مضمون مشکلات ساختاری در فرایند داوری را تشکیل می‌دهند. سه نشانگر بازخوردهای تکراری و بی‌دقت، نگاه بالا به پایین، پاسخگو نبودن زیر مضمون کیفیت پایین داوری را تشکیل می‌دهند. همچنین سه نشانگر جعلی بودن اطلاعات، کم‌توجهی به بین‌المللی سازی نمایه‌ها، کم‌توجهی به تعامل بین‌المللی زیر مضمون اعتبارسنجی و نمایه‌سازی را تشکیل می‌دهند.

یکی از چالش‌های اخلاقی در فرایند داوری علمی، وجود برخی از انواع سوگیری‌هایی است که به‌جای تمرکز بر محتوای علمی مقاله، به عوامل غیرعلمی توجه می‌شود. قضاوت بر اساس جایگاه نویسنده یا دانشگاه و وابستگی سازمانی، از جمله مواردی است که در آن نویسنده مقاله به‌جای محتوای آن، ملاک اصلی ارزیابی قرار می‌گیرد. این رویکرد می‌تواند سبب ترجیح مقالات پژوهشگرانی شود که در مراکز علمی مشهورتر یا با درجه علمی بالاتر فعالیت می‌کنند، حتی اگر محتوای مقاله کیفیت متوسطی داشته باشد.

- توجه ناکافی به رعایت چندسوکور بودن: رعایت اصل چندسوکور بودن یکی از روش‌هایی است که برای کاهش سوگیری در داوری علمی توسط مجلات استفاده می‌شود. در این روش، هویت نویسندگان و داوران به‌طور متقابل ناشناس باقی می‌ماند تا

داوری فقط بر اساس محتوای علمی مقاله صورت گیرد. با این حال، در برخی مجلات داخلی، عدم اجرای دقیق این اصل منجر به آشکار شدن هویت نویسندگان یا داوران می‌شود که فرایند داوری را با سوگیری مواجه می‌کند.

- **فرایند طولانی مدت:** طولانی شدن فرایند داوری یکی از مشکلات پررنگ و اساسی در فرایند داوری مقالات علمی است که بر انگیزه پژوهشگران تأثیر منفی جدی دارد. مجلات اغلب طبق زمان‌بندی اعلام شده عمل نمی‌کنند و گاهی داوری و اعلام نتیجه آن تا چند سال به طول می‌انجامد. برای مثال بیشتر اوقات، چکیده مقاله در سامانه منتشر می‌شود و برخی اوقات تا دو سال، فایل تمام متن مقاله در سامانه مجله منتشر نمی‌شود یا بعضاً نسخه پی‌دی‌اف موقت در سامانه مجله منتشر می‌شود و این رویه هم تازگی و روایی زمانی محتوای مقالات را با چالش جدی همراه می‌سازد و اینکه پژوهشگران یا اعضای هیئت علمی که سالانه کارهایشان در دانشگاه‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد به سبب گذر زمان و در دسترس قرار نگرفتن نسخه کامل مقاله امکان استفاده از امتیاز آن در موسسه خویش با چالش همراه شده گاه متضرر می‌شوند.

- **فقدان نظارت و مدیریت مستمر و یکپارچه:** متأسفانه بر روند داوری و فعالیت‌ها معمولاً نظارت دقیق، مستمر، نظام‌مند و به‌ویژه یکپارچه انجام نمی‌شود و ارزیابی‌های ارائه شده توسط داوران نیز به‌درستی مورد بررسی و ارزشیابی قرار نمی‌گیرند. علاوه بر این، داوران اغلب تحت نظارت یا پیگیری مؤثری برای ارائه بازخورد طبق زمان‌بندی دقیق قرار نمی‌گیرند. نبود یک سامانه نظارتی قوی برای یکپارچه‌سازی و قابل رصد و پایش بودن فعالیت‌های مجلات، باعث بی‌نظمی و تأخیر در فرایند داوری می‌شود.

- **وجود تعارض منافع:** یکی از جدی‌ترین مسائل در فرایند داوری علمی، تعارض منافع میان داوران و نویسندگان است که داوری علمی را از عدالت دور می‌کند. این تعارض ممکن است به دلایلی مانند روابط شخصی، همکاری‌های قبلی، رقابت‌های علمی یا منافع مالی و حرفه‌ای ایجاد شود. هنگامی که تعارض منافع وجود داشته باشد، داور ممکن است به‌جای ارزیابی منصفانه، قضاوت‌هایی بر اساس انگیزه‌های شخصی یا سفارش‌هایی که به او می‌شود، انجام دهد. این مسئله می‌تواند به رد یا پذیرش ناعادلانه مقالات منجر شود. ایجاد سامانه رصد و پایش کیفیت داوری‌ها توسط وزارت علوم و در دسترس قرار دادن آن برای مشارکت نویسندگان و استفاده از کیفیت نتایج آن در رتبه‌بندی و اعتبار مجلات، می‌تواند بخشی از این تعارضات منافع یا غیرمنصفانه بودن را به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم کاهش دهد.

- **توجه ناکافی به تناسب تخصص داور با محتوای مقاله:** انتخاب داورانی که تخصص آن‌ها با موضوع و روش مقاله همخوانی ندارد یکی از مشکلاتی است که به اکثر شرکت‌کنندگان پژوهش به آن اشاره کردند. گاهی سردبیران داورانی را به مقالات تخصیص می‌دهند که در زمینه یا روش پژوهش مورد نظر، تخصص کافی ندارند. گاهی نیز در زمینه خاصی، داور متخصص وجود ندارد. این امر می‌تواند ناشی از ناآشنایی سردبیران با متخصصان حوزه‌ها به دلیل نبود شبکه داوران حرفه‌ای و یا غیر جذاب بودن فعالیت داوری و در نتیجه عدم مشارکت متخصصان با مجلات باشد. ایجاد شبکه داوران حرفه‌ای و اعطای امتیاز حرفه‌ای قابل توجه در آیین‌نامه‌های ترفیع و ارتقا یا جذب و استخدام، می‌تواند به پویایی و مشارکت بیشینه و بهینه متخصصان در فعالیت داوری مجلات علمی کمک شایانی نماید.

- **محوریت ملاک‌ها و نشانگرهای کمی در کار برگ‌های ارزیابی مقالات:** یکی از مشکلات جدی در فرایند داوری علمی، تأکید بیش‌ازحد کار برگ‌های ارزشیابی بر رویکرد کمی است و فقدان استفاده از ملاک‌ها و نشانگرهای مناسب رویکرد کیفی است؛ اغلب ملاک‌های ارزیابی مقالات به نحوی طراحی، انتخاب و وزن دهی شده‌اند که با چارچوب پژوهش‌های کمی همخوانی

دارند و کمتر به ویژگی‌های پژوهش‌های کیفی و آمیخته توجه می‌کنند. در نتیجه، مقالات کیفی که ماهیتی اکتشافی دارند، بر اساس ملاک‌ها، شاخص‌ها، نشانگرهایی و معیارهایی مورد قضاوت قرار می‌گیرند که اساساً برای پژوهش‌های کمی مناسب‌اند و این کم‌توجهی به متناسب‌سازی و متنوع‌سازی کاربرگ‌های ارزیابی با ماهیت مقالات، سوگیری و خطایی راهبردی در تصمیم‌گیری را به همراه دارد. پژوهشگرانی که بیشتر مبتنی بر روش‌های کیفی به فعالیت‌های اصیل پژوهشی می‌پردازند، متضرر شده، اغلب با نوعی بی‌عدالتی آموخته‌شده مواجه شده و احساس می‌کنند که کار آن‌ها فارغ از کیفیت اثر، کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ به‌رغم اهمیت گسترده پژوهش‌های اکتشافی کیفی در ارتقای نشاط و پویایی درون دانشگاهی (محمدزاده و صالحی، ۲۰۱۵؛ ۲۰۱۶ و ۲۰۲۳) بهبود کیفیت خلق دانش (قربانخانی و صالحی، ۲۰۲۱) و حرکت بنیادین در مسیر تحقق مرجعیت علمی مبتنی بر بافتار و فرهنگ ایرانی-اسلامی (قربانخانی و صالحی، ۲۰۲۲) و درک عمیق‌تری که از مسائل اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌کنند (صالحی و گل‌افشانی^۱، ۲۰۱۰)، در مجلات داخلی کمتر به این رویکرد توجه شده و جامعه از مزایایی آن محروم می‌شود. براین اساس **پیشنهاد** می‌شود به تفکیک سه رویکرد کمی، کیفی و آمیخته، سه دسته کاربرگ ارزیابی در مجلات تدوین و مورد استفاده قرار گیرد.

- **بازخوردهای تکراری، بی‌دقت یا گاهاً عدم ارائه دقیق دلایل رد:** یکی از شکایات رایج نویسندگان مقالات، دریافت بازخوردهایی تکراری و فاقد دقت کافی از سوی داوران است. به‌عنوان مثال، برخی از داوران تنها به بیان ایرادات کلی و مبهم می‌پردازند. گاهی اوقات نیز بازخوردهای تکراری از سوی داور به نویسندگان ارائه می‌شود. این مسئله معمولاً از بی‌توجهی داوران به مطالعه دقیق و کامل مقاله ناشی می‌شود که احتمالاً به علت کمبود زمان و فشار کاری زیاد آن‌هاست.
- **جعلی بودن اطلاعات:** یکی از مشکلاتی که در برخی مجلات داخلی مشاهده می‌شود، درج اطلاعات نادرست یا جعلی درباره مقالات منتشرشده است. به‌عنوان مثال، تاریخ پذیرش یا چاپ مقالات گاهی به‌اشتباه اعلام می‌شود و این امر اغلب مشکلاتی را برای پژوهشگران ایجاد می‌کند.
- **کم‌توجهی به بین‌المللی‌سازی نمایه‌ها:** برخی مجلات داخلی هیچ برنامه‌ریزی منظمی برای ارتقاء جایگاه خود در سطح جهانی ندارند و به همین دلیل، در پایگاه‌های معتبر جهانی شناخته‌شده مانند Scopus یا Web of Science حضور ندارند. این کم‌توجهی باعث می‌شود که نویسندگان به مقالات منتشرشده دسترسی نداشته باشند و مقالات داخلی کمتر مورد استناد قرار گیرند. در ادامه نمونه‌ای از روایت‌های مرتبط آورده شده است:

"مثلاً مقاله رد میشه ولی یک دونه کامنت از سمت مجله برای ما نمیداد و خب این به نظرم فاجعه بود یعنی چطور ممکنه شما مقاله‌ای رو مثلاً ۶ ماه به سال دستتون باشه و بعد از یه سال بیاید بگید رد شده به همین آسونی بدون اینکه به توضیح بدید که مثلاً چرا رد شده"

"صد دفعه باید پیگیری کنی بعد تلفنشون پاسخگو نیست ایمیلشون پاسخگو نیست تازه میگم وقتی دآوری هم میشه به دونه کامنت برای آدم نمی‌فرستن بعد حالا به بهترین حالت مثلاً چند تا کامنت هم می‌فرستن نگاه می‌کنی می‌بینی که این داور محترم به سری کامنت‌های تایپ شده از قبل داره و همون رو میاد برای همه برای همه مقالات کپی پیست می‌کنه مثلاً اینکه بیان مسئله‌تون به اندازه کافی نمی‌دونم شواهد نداره فلان بهمان یا مثلاً اینکه روش‌شناسی شما نمیدونم این ابهاماتو داره و شما بعد از یه مدت متوجه میشید که انگار که با مقاله شما به عنوان یک مورد خاص برخورد نمیشه همه چی کلیشه شده"

¹ Salehi and Golafshani

" مجلات اول نکات مواردی که می‌نویسند تاریخ دریافت و ارزیابی و چاپ خیلی‌هاشون اصلاً فیک جعلیه بعضی موقع‌ها نوشته که دو ماه پیش گرفتیم دو ماه بعدش چاپش کردن ی موقعه میبینی دوسال معطل کردن چاپ نکردن یا اصلاً خیلی مجله را ۱۵ ماه یه مقاله را نگه میدارن هیچ کس پاسخگو نیست "

❖ مضمون دوم: مشکلات معطوف به زیرساخت و فناوری

چهار نشانگر دسترس‌پذیری ضعیف، توجه ناکافی به سنجش نظر کاربر طراحی نامناسب و لینک‌های اشتباه زیر مضمون ضعیف در رابط کاربری را تشکیل می‌دهند. همچنین سه نشانگر توجه ناکافی به نگهداری اطلاعات، سرعت پایین، زمان بارگذاری صفحات و عناصر زیر مضمون عملکرد و سرعت را تشکیل می‌دهند.

- **دسترس‌پذیری ضعیف:** بسیاری از وبسایت‌های مجلات طراحی کاربرپسندی ندارند و استفاده از آن‌ها به‌ویژه برای کاربرانی که اولین بار قصد ارسال مقاله دارند، بسیار دشوار است. نبود آموزش یا راهنماهای کاربردی در این سامانه‌ها، فرایند ارسال مقاله را پیچیده‌تر می‌کند. وجود چنین مشکلاتی باعث اتلاف وقت پژوهشگران می‌شود و ممکن است باعث شود برخی از آن‌ها از ارسال مقاله به این مجلات منصرف شوند.
- **توجه ناکافی به سنجش نظر کاربر:** یکی از نقاط ضعف مهم در سامانه‌های مجلات داخلی، عدم توجه به سنجش نظر و رضایت کاربران در تعامل با سایت است. رضایت کاربران باید در هر مرحله از استفاده، مانند ثبت‌نام، ارسال مقاله، پیگیری وضعیت مقاله و دریافت بازخورد، ارزیابی شود، این کار در اکثر مجلات داخلی انجام نمی‌شود.
- **توجه ناکافی به نگهداری اطلاعات:** مشکلات فنی رایج در سامانه‌ها باعث می‌شود که اطلاعات کاربران، از جمله فایل‌های ارسالی، به‌درستی ذخیره نشوند. به‌عنوان مثال، گاهی اوقات به دلیل خطاهای فنی یا قطعی سامانه، اطلاعاتی که کاربر وارد کرده، ذخیره نمی‌شود و در صورت بروز مشکل، کاربران مجبور می‌شوند تمام اطلاعات و فایل‌ها را از ابتدا ارسال کنند. در ادامه نمونه‌ای از روایت‌های مرتبط آورده شده است:

"اصلاً نتونستم با سامانه ارتباط برقرار بکنم یعنی هر کاری می‌کردم نمی‌تونستم برم تو پنل داوری پنل داوری هم که میومد اصلاً مشخص نبود که چجوری باید داور انجام بشه میگم اصلاً اصطلاحاً یو آیش اصلاً قشنگ نبود اون رابطه کاربریش خیلی سخت بود دیگه یعنی اون ورود و ثبت نتایج داوری و دسترسی به خود مقاله خیلی سخت بود یعنی من باید هی کلی وقت می‌ذاشتم پیدا کنم ببینم این گزینه‌ها کجان اصلاً دم دست نبود"

"خیلی موقع‌ها اون سامانه خیلی کاربرپسند نیست یا بعضی موقع‌ها مثلاً شما درخواست میکنید پسورد را دوباره بفرستند یک روز دو روز سه روز بعد از چند روز چند بار شما رو معطل میکنن برخی اوقات اینکه در واقع مدام اون صفحه‌ها طوری هستش یا مشکلات اینترنتی خود ما یا مشکلاتمون صفحه است که بعد از مدتی شما را از صفحه میندازه بیرون تمام زحماتی که کشیدید برای تکمیل و پر کردن اون از دست میره "

❖ مضمون سوم: مشکلات معطوف به سیاست‌های آموزشی پژوهشی

دو نشانگر دستمزد ناچیز داوری و کم‌توجهی به ظرفیت داوران زیر مضمون فقدان انگیزه داوری و دو نشانگر استاد: کارخانه تولید مقاله و فشار روانی دانشجویان زیر مضمون تمرکز بر تعداد را تشکیل می‌دهند.

- **دستمزد ناچیز داوری:** دستمزد بسیار پایین پرداختی به داوران از چالش‌های جدی به شمار می‌آید. داوری مقالات یک فرایند زمان‌بر و تخصصی است که نیازمند مطالعه دقیق، تحلیل محتوا و ارائه بازخوردهای مناسب به نویسندگان است. با این حال، مبلغی که به داوران برای این کار پرداخت می‌شود، اغلب بسیار کم و در حدی است که انگیزه‌ای برای انجام دقیق و مسئولانه این وظیفه ایجاد نمی‌کند.
- **کم‌توجهی به ظرفیت داوران:** داوران معمولاً علاوه بر وظیفه داوری، درگیر تعهدات متعدد دیگری مانند تدریس، پژوهش، پروژه‌های علمی و مسئولیت‌های حرفه‌ای هستند. با این حال، برخی مجلات تعداد زیادی مقاله برای داوری به آن‌ها تخصیص می‌دهند که این امر باعث می‌شود داوران فرصت کافی برای بررسی دقیق و ارائه بازخوردهای دقیق نداشته باشند.
- **استاد: کارخانه تولید مقاله:** متأسفانه فشار کاری بیش از حدی بر اعضای هیئت علمی و دانشجویان برای چاپ مقالات علمی وارد می‌شود. در بسیاری از موارد، اساتید مجبورند برای حفظ جایگاه شغلی، ارتقای رتبه یا افزایش امتیازات حرفه‌ای، تعداد زیادی مقاله منتشر کنند. این تمرکز بیش‌ازحد بر کمیت به جای کیفیت، اساتید را به سمت تولید مقالات سطحی یا تکراری سوق می‌دهد و باعث می‌شود اولویت اصلی آن‌ها، افزایش تعداد مقالات باشد نه ارتقای کیفیت یا نوآوری در خلق دانش.
- **فشار روانی دانشجویان:** در بسیاری از دانشگاه‌ها، دفاع از پایان‌نامه یا اتمام تحصیلات منوط به ارائه مقاله در مجلات معتبر است. این الزام، دانشجویان را در شرایطی قرار می‌دهد که تحت فشار زمانی و روانی زیادی برای تولید و انتشار مقاله باشند. با توجه به فرایند طولانی پذیرش و داوری مقالات، این فشار دوچندان می‌شود. علاوه بر این، در برخی موارد، نداشتن به کاهش نمره پایان‌نامه یا عدم کسب امتیازات پژوهشی منجر شود. در ادامه نمونه‌ای از روایت‌های مرتبط آورده شده است:

"من این خروجی رو خیلی روش تأکید می‌کنم خروجی برای داورا و نویسنده‌ها هردو طرف. مثلاً من میگم ی مجله هست داوری میفرسته صبح صد من میریزه به حسابت شما باشی میتونی داوری کنی الکی؟ معمولاً آدم وجدانش می‌گه داره بهم هزینه میده رو دقت اثر داره انگیزه ایجاد می‌کنه تا مجله ای که به من زنگ می‌زنه ۱۰ تا اصلاً ظرفیت منو در نظر نمیگیره ۱۰ تا میفرسته می‌گه ما برای شما مقاله چاپ کردیم این ۱۰ تا رو داوری کن منم انگاری انجام وظیفه است ی نگاه کلی می‌کنم جوابشو میدم من فکر می‌کنم همه ایناست هم برای داورا انگیزه ایجاد بشه هم ظرفیتشون رو در نظر بگیرن مگه میشه این همه مقاله رو بفرستی داوری کنه؟ بعد تمرکز کنه؟"

❖ **مضمون چهارم: مشکلات معطوف به شفافیت**

سه نشانگر سیاست‌های پرداخت مبهم، تفاوت در هزینه‌ها بدون توضیح و توجه ناکافی به شفافیت در اطلاعات هزینه‌ها زیر مضمون ابهام در مسائل مالی را تشکیل می‌دهند. همچنین سه نشانگر داوری سلیقه‌ای، تنوع گسترده فهرست واریسی و ملاک‌ها، فقدان ضریب و وزن دهی مناسب نشانگرها، زیر مضمون ذهنی بودن ملاک‌های ارزیابی را تشکیل می‌دهند.

- **سیاست‌های پرداخت مبهم:** هزینه‌هایی که از نویسندگان دریافت می‌شود اغلب به صورت دقیق و واضح توضیح داده نمی‌شود و نویسندگان از جزئیات این مبالغ و دلایل دریافت آن‌ها بی‌اطلاع هستند. برخی مجلات هزینه‌های بسیار زیادی برای بررسی اولیه دریافت می‌کنند که فشار مالی به اساتید و دانشجویان وارد می‌کند.

- **تفاوت در هزینه‌ها بدون توضیح:** یکی دیگر از مسائل مرتبط با شفافیت در مجلات داخلی، وجود تفاوت‌های فاحش در هزینه‌هایی است که از نویسندگان دریافت می‌شود. این تفاوت‌ها، حتی میان مجلاتی که زیر نظر یک وزارتخانه فعالیت می‌کنند، بسیار مشهود است و در اکثر موارد هیچ توضیحی درباره دلایل این اختلاف ارائه نمی‌شود.
- **تنوع گسترده فهرست واری و ملاک‌ها:** هر مجله ملاک‌های خاص خود را دارد و معمولاً میان آن‌ها هماهنگی وجود ندارد. این ناهماهنگی در ملاک‌ها، نشانگرها و معیارها، فرایند داوری را دشوارتر می‌کند.
- **فقدان ضریب و وزن دهی مناسب نشانگرها:** مقالات از جنبه‌های مختلف و با استفاده از ملاک‌های متعددی ارزیابی می‌شوند. این ملاک‌ها شامل جنبه‌هایی مانند کیفیت نگارش، روش‌شناسی و نوآوری است. هرکدام از این ملاک‌ها اهمیت متفاوتی دارند و لازم است در ارزشیابی وزن متناسبی داشته باشند. به عبارتی دیگر، هر یک از این جنبه‌ها باید از نظر اهمیت بر کیفیت مقاله، وزن و ضریب خاص خود را داشته باشد تا داور بتواند به‌طور عادلانه و دقیق ارزیابی را انجام دهد. به عنوان مثال، اشکال در روش‌شناسی بسیار مهمتر از ایرادهای نگارشی است. متأسفانه در موارد متعدد این وزن دهی به‌درستی اعمال نمی‌شود و تمام نشانگرها و ملاک‌ها به‌طور مساوی یا بدون توجه به اهمیت نسبی آن‌ها در نظر گرفته می‌شوند. در ادامه روایت‌های مرتبط آورده شده است:

"حالا اسمشو نمی‌برم ولی اگر بگم قطعاً میشناسند مخصوص همه کسانی که توی همین حوزه روانشناسی و اینها کار کردن به هزینه خیلی زیادی رو می‌گه که بعضاً اصلاً به فرد حالا به قول یکی از همکاران که داشتیم صحبت می‌کردیم به فرد هیئت‌علمی هم دلش نمیداد به همچین هزینه ای رو بده چه برسه به به فرد دانشجو دقیقاً و چیزی که پیش میاد این وسط فرد مجبوره می‌دونی انگار که به جوری از فرد داره سوء استفاده میشه که خب نمی‌خوایم مقاله نده ما که کارش نداریم ولی مجبوره خب چیکارکنه این دو میلیون سه میلیون هم که هستش هم میدم برای اینکه فقط کارم تموم شه یعنی انگار تو اون مخمسه‌ای که فرد گیر افتاده ما داریم نهایت سوءاستفاده رو ازش می‌کنیم"

"این یکی از مشکلات عمومی ارزیابی مجلات ماست که خیلی خیلی ذهنی گراست و نکته دیگه اینکه خیلی از فرم‌های ما ضریب نداره حالا برخی شون داره ولی خیلی ضریب نداره به نشانگر اینکه فرد چقدر علائم نگارشی رو رعایت کرده با نشانگر اینکه فرد مثلاً مسئله رو به خوبی تبیین کرده یا ابهام روش شناختی داره این نشانگرها اصلاً بعضاً یکسانه"

نتیجه‌گیری

فرایند داوری هم‌تا به‌عنوان سنگ بنای اعتبار علمی مجلات، در سال‌های اخیر با چالش‌های ساختاری و اخلاقی متعددی روبه‌رو شده است (رتنیک^۱، ۲۰۰۵). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مشکلات داوری در مجلات داخلی حوزه علوم رفتاری را می‌توان در چهار محور کلی «اخلاق داوری»، «زیرساخت فناوری»، «سیاست‌های آموزشی - پژوهشی» و «شفافیت» دسته‌بندی کرد. این چالش‌ها نه‌تنها کیفیت مقالات منتشرشده را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه به‌طور نظام‌مند، انگیزه پژوهشگران جوان را تضعیف و اعتبار مجلات داخلی را خدشه‌دار می‌کنند (پاندا^۲، ۲۰۱۹).

1 Resnik

2 Panda

یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش، «شیوع سوگیری در داوری» بر اساس جایگاه نویسندگان، وابستگی‌های سازمانی و روابط شخصی است. این پدیده با مفهوم «قبیله‌گرایی آکادمیک»^۱، همخوانی دارد؛ جایی که شبکه‌های غیررسمی قدرت، جایگزین شایسته‌سالاری علمی شده و باعث می‌شود تا داوری‌های انجام‌شده فاقد انصاف و کیفیت لازم باشد. از مهمترین تبعات سوگیری در داوری می‌توان به تضعیف اعتماد به مجلات داخلی و کاهش مشارکت پژوهشگران جوان اشاره کرد؛ به نظر می‌رسد، وقتی سوگیری در داوری شکل گرفته و تشدید گردد، پژوهشگران تازه‌کار که فاقد شبکه‌های نفوذ هستند، اغلب مقالاتشان به دلیل «عدم شهرت علمی» رد می‌شود. این امر با نظریه «اثر متیو»^۲ قابل تبیین است (نوروزی چاکلی، ۱۳۹۰). به گونه‌ای که مقالات پژوهشگران شناخته‌شده سریع‌تر پذیرفته می‌شوند، در حالی که پژوهشگران جوان یا از مؤسسات با جایگاه پایین‌تر، احتمال کمتری برای پذیرش مقالات خود دارند. شکل‌گیری این سوگیری در سطح مجلات بین‌المللی به گونه‌ای است که در برخی از مجلات، حتی در آثار با کیفیت مشابه، پژوهشگران از کشورهای توسعه‌یافته نسبت به هم‌تایان خود در کشورهای در حال توسعه، شانس بیشتری برای انتشار در مجلات معتبر دارند. به دیگر سخن، تبعات شکل‌گیری این سوگیری باعث می‌شود تا فضایی تقویت شود که پژوهشگران شناخته‌شده امتیازات بیشتری کسب کرده و نوآوری‌های محققان ناشناس نادیده گرفته شود.

از سوی دیگر، برخی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش اشاره کردند که چاپ مقاله در برخی از مجلات داخلی، بیش از آنکه مبتنی بر کیفیت باشد، رابطه محور است. این روایت پرتکرار با یافته‌های مطالعه تکسیرا داسیلوا و دوبرانزکی^۳ (۲۰۱۵) همسوست. در این مطالعه اذعان می‌دارند که نظام سنتی داوری هم‌تا پیش از انتشار با چالش‌هایی جدی از جمله داوری ناکافی، داوری جعلی، انتشار مقالات با کیفیت پایین یا داده‌های نادرست و وجود مجلات دست در کار سوءاستفاده که بدون کنترل کیفیت مقالات را منتشر می‌کنند، مواجه است؛ این مشکلات باعث کاهش اعتماد عمومی و علمی به یافته‌های پژوهشی شده و هزینه‌های مالی و معنوی زیادی به جامعه علمی و عمومی تحمیل می‌کند. تکسیرا داسیلوا و دوبرانزکی (۲۰۱۵) پیشنهاد می‌کنند که بازبینی هم‌تا پس از انتشار می‌تواند به عنوان مکملی کارآمد برای داوری سنتی عمل کند و به بهبود کیفیت و اعتبار مبانی نظری علمی کمک کند. این روش امکان اصلاح خطاها، شناسایی تقلب‌ها و ارتقای شفافیت و مسئولیت‌پذیری را فراهم می‌آورد. ایشان به ضرورت حرکت به سمت سیستم‌های بازبینی هم‌تا با شفافیت بیشتر و پذیرش نظرات جامعه علمی اشاره کرده و تأکید دارند که ملاک‌های مصنوعی مانند ضریب تأثیر نباید مانع اصلاحات در نظام داوری شوند. همچنین، مقاله به مشکلات ناشی از فشار بر داوران، عدم وجود ملاک‌ها و معیارهای یکنواخت برای رسیدگی به تخلفات و اهمیت نقش افشاگران علمی در اصلاح مبانی نظری علمی می‌پردازد. در نهایت، نویسندگان این مقاله خواستار بازنگری اساسی در ساختار نشر علمی و پذیرش گسترده‌تر بازبینی پس از انتشار به عنوان راهکاری برای مقابله با بحران اعتماد و کیفیت در علوم هستند. به علاوه، برخی مشکلات ساختاری مانند چندسوکور نبودن، طولانی بودن فرایند داوری، فقدان نظارت و وجود تعارض منافع نیز به کاهش کیفیت داوری و انتشارات می‌انجامد.

یکی از مشکلات جدی در این حیطه سوگیری در قضاوت و انتخاب مقالات است. قضاوت بر اساس جایگاه نویسندگان، وابستگی سازمانی آن‌ها و حتی انتخاب مقالات همکاران یا آشنایان، از مصادیق این سوگیری‌ها هستند. چنین مواردی می‌تواند به نادیده گرفته

1 academic tribalism

2 Matthew effect

3 Teixeira da Silva & Dobránszki

شدن کیفیت علمی مقاله و کاهش اعتماد پژوهشگران به مجلات داخلی منجر شود. این نتیجه با یافته‌های مطالعه ابراهیم‌پور، ثناگو و جویباری (۱۴۰۱) همسو است. این مسئله در مجلات داخلی چنان در نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش ما پررنگ بود که برخی از آنان چاپ مقاله در مجلات داخلی را امری **وابسته محور** توصیف کردند. متأسفانه گسترش رابطه محوری در فرایند انتخاب مقالات، انگیزه نویسندگان برای ارسال گزارش‌های پژوهشی خود برای مجلات داخلی را کاهش داده و مجلات داخلی را به آخرین انتخاب آن‌ها برای چاپ مقالات خود تبدیل کرده است.

توجه ناکافی به رعایت اصل داوری چندسوکور، یکی دیگر از مشکلات اساسی در فرایند داوری است. زمانی که هویت نویسندگان و داوران آشکار است، احتمال بروز سوگیری و تعارض منافع افزایش می‌یابد. این وضعیت نه تنها باعث می‌شود که اصول بی‌طرفی نادیده گرفته شوند و کیفیت داوری کاهش یابد، بلکه به ایجاد داوری ناعادلانه نیز منجر می‌شود. در چنین شرایطی، داوران ممکن است تصمیماتی غیرمنصفانه بگیرند که نه بر اساس شایستگی علمی مقاله، بلکه تحت تأثیر روابط شخصی یا نارضایتی‌های فردی قرار دارد. این نوع داوری ناعادلانه می‌تواند باعث بی‌اعتمادی میان پژوهشگران و مجلات علمی شود و در نهایت پژوهشگران را از مشارکت در فرایند خلق دانش منصرف کند. مقالاتی که به‌طور ناعادلانه رد می‌شوند، ممکن است حاوی ایده‌های ارزشمندی باشند که به دلیل سوگیری‌های غیرعلمی از انتشار بازمی‌مانند. همچنین، پژوهشگران جوانی که در تلاش برای ورود به دنیای آکادمیک هستند، ممکن است با چنین چالش‌هایی شوق و انگیزه خود را از دست بدهند.

مجلات و داوران مسئولیت‌های قابل‌توجهی در قبال مقالات دریافتی از نویسندگان دارند که باید به‌طور کامل به آن‌ها پایبند باشند. طولانی شدن فرایند داوری، ضعف نظارت و مدیریت، یا عدم تطابق تخصص داوران با محتوا یا روش مقاله، نشانه‌ای از عدم مسئولیت‌پذیری مجلات است. این نتیجه با یافته‌های مطالعه ابراهیم‌پور، ثناگو و جویباری (۱۴۰۱) همسو است. در برخی موارد، نویسندگان حتی برای دریافت تصمیم اولیه از مجله باید مدت‌زمان طولانی، گاهی حتی چندین سال، منتظر بمانند. چنین تاخیرهایی موجب می‌شود که مقالات منتشرشده نسبت به مسائل روز به عقب بیفتد و به‌رغم اینکه انتظار می‌رود مقالات چاپ‌شده به‌روز و همگام با پیشرفت‌های علمی باشند، حاوی مطالب قدیمی و غیرکاربردی شوند. این در حالی است که بسیاری از مجلات معتبر خارجی دارای جدول زمان‌بندی دقیقی هستند و طبق همان زمان‌بندی به نویسندگان پاسخ می‌دهند.

مسئولیت مجله و داوران همچنین شامل بازخوردهای آنان و تلاش برای نمایه‌سازی مقالات نیز است. بازخوردهای سطحی، تکراری یا بی‌دقت نه تنها کمکی به بهبود مقاله نویسنده نمی‌کند، بلکه احساس بی‌توجهی و بی‌احترامی را در نویسندگان ایجاد می‌کند. مجلات همچنین لازم است با افزایش تعامل‌های بین‌المللی بستر را برای نمایه‌سازی هرچه بیشتر مقالات خود فراهم کنند. در این صورت است که مجلات می‌توانند اعتبار علمی خود را افزایش دهند. یافته‌های ما در این قسمت با پژوهش‌های پیشین همسو است. اگرچه پژوهش‌های اندکی به مشکلات داوری هم‌تا پرداخته‌اند لیکن مسائل اخلاقی نظیر سوگیری، اجبار به استناد دادن به مقالات داوران، تأخیر

در پاسخ‌دهی و وجود تعارض منافع در پژوهش‌های پیشین با موارد شناسایی شده در پژوهش ما همسو است (اولینیک^۱، ۲۰۱۴ و رسنیک^۲، ۲۰۰۸).

مشکلات زیرساخت فناوری به ضعف در رابط کاربری و عملکرد سیستم‌ها اشاره دارد. ضعف در طراحی، دسترسی‌پذیری پایین و مشکلاتی مانند سرعت پایین یا وجود پیوندهای (لینک‌های) اشتباه می‌توانند فرایند داوری را دشوار و ناکارآمد کنند. این مشکلات فنی علاوه بر اینکه باعث اتلاف وقت داوران و نویسندگان می‌شوند، می‌توانند در نهایت منجر به فرایند داوری غیر موثر و نادرست شوند. این نتیجه با یافته‌های مطالعه ابراهیم‌پور، ثناگو و جویباری (۱۴۰۱) همسو است. یافته‌های ما نشان داد سامانه برخی مجلات حتی برای داوران و نویسندگانی که در کار با رایانه خبره هستند نیز با چالش‌هایی همراه است.

دسترسی‌پذیری ضعیف یکی از مشکلات عمده‌ای است که به‌طور مستقیم بر کارآمدی فرایند داوری تأثیر می‌گذارد. سامانه‌هایی که تعامل کاربران با آن‌ها پیچیده است، زمان انجام فرایند را افزایش دهند. به‌عنوان مثال، عدم امکان ورود یا بارگذاری صحیح اطلاعات توسط داوران یا نویسندگان می‌تواند در تعامل با سامانه‌ها و انجام صحیح فرایند، خستگی مضاعف به همراه داشته باشد. توجه ناکافی به سنجش نظر کاربران یکی دیگر از مواردی است که در سامانه‌های مجلات دیده می‌شود. امروزه دریافت بازخورد از کاربران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و توسعه‌دهندگان تلاش می‌کنند با سنجش مرحله‌به‌مرحله رضایت کاربران و تحلیل داده‌های حاصل، بر کارایی سامانه‌ها و رضایت کاربران خود بیفزایند. این نتیجه با یافته‌های مطالعه ابراهیم‌پور، ثناگو و جویباری (۱۴۰۱) همسو است. متأسفانه این امر در سامانه‌های مجلات داخلی کمتر دیده می‌شود که به‌نوبه خود باعث عدم شناسایی مشکلات و رفع آن‌ها می‌گردد و ضرورت دارد سامانه رضایت‌سنجی داخلی و بیرونی در هریک از فصلنامه‌ها تدوین و اجرایی گردد.

طراحی نامناسب رابط کاربری نیز باعث ایجاد سردرگمی و کاهش بهره‌وری کاربران می‌شود. به‌عنوان مثال، عدم دسترسی به ابزارهای موردنیاز، نبود راهنما و آموزش‌های متناسب با هر قسمت از قبیل ارسال و ثبت مقاله برای نویسندگان و نحوه انجام داوری برای داوران یا پیگیری فرایندهای در حال انجام می‌تواند باعث نارضایتی داوران و نویسندگان شود. در مواردی، طراحی نامناسب حتی ممکن است باعث از دست رفتن داده‌ها شود. گاهی لینک‌های اشتباه و نامناسب، کاربران را دچار سردرگمی کرده و باعث دو یا چندباره کاری می‌شود. این مشکل فرایند ارسال و داوری مقالات را به فرایندی کسل‌کننده و پر چالش تبدیل می‌کند. وقتی داوران یا نویسندگان مجبور به ارسال مکرر اسناد خود شوند، خستگی، بی‌انگیزگی و کاهش تمایل به همکاری با مجله را تجربه می‌کنند.

سرعت پایین و زمان بارگذاری طولانی صفحات و عناصر، از دیگر مشکلات رایج است. این موارد منجر به اتلاف وقت و کاهش انگیزه کاربران برای ادامه کار با سامانه می‌شود. داوران معمولاً وقت محدودی برای انجام بررسی‌ها دارند، وجود چنین مشکلاتی می‌تواند آن‌ها را از فرایند داوری منصرف کند یا کیفیت داوری آن‌ها را تنزل دهد.

مشکلات سیاست‌های آموزشی-پژوهشی، به‌ویژه کمبود انگیزه در داوران، به وضوح در پژوهش ما به چشم می‌خورد. دستمزد ناکافی، فشارهای روانی ناشی از حجم بالای کار و عدم توجه به ظرفیت داوران، باعث کاهش تمایل آن‌ها به مشارکت مؤثر در فرایند

¹ Oleinik

² Resnik

داوری می‌شود. در شرایطی که داوران به‌طور غالب تحت فشار برای انجام داوری‌های متعدد قرار دارند در عین حال، پاداش مناسب یا فرصت‌های آموزشی و پژوهشی برای آن‌ها فراهم نمی‌شود، انگیزه آن‌ها برای داوری کاهش می‌یابد. این موضوع بر کیفیت داوری‌ها تأثیر مستقیم دارد و انگیزه لازم برای داوری تخصصی و با کیفیت را از داوران سلب می‌کند.

فقدان انگیزه داوری یکی از مشکلات مهمی است که کیفیت فرایند داوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دستمزد ناچیز داوری و عدم توجه به ظرفیت داوران از جمله عوامل اصلی در این زمینه هستند. داوران باید برای مشارکت در فرایند داوری از پاداش‌های مناسب مادی و معنوی برخوردار باشند. در غیر این صورت ممکن است به دلیل عدم تأمین نیازهای مالی خود، یا عدم تناسب پاداش با وظیفه محوله، از کیفیت کار خود بکاهند، زمان کمتری برای داوری صرف کنند یا حتی از پذیرش داوری اجتناب کنند. همچنین، عدم توجه به ظرفیت داوران و بار کاری زیاد می‌تواند منجر به خستگی، کمبود دقت و زمان کافی برای بررسی دقیق مقالات شود. این وضعیت علاوه بر اینکه به کیفیت داوری آسیب می‌زند، باعث ایجاد نارضایتی در داوران نیز می‌شود.

علاوه بر این، تمرکز بیش‌ازحد بر تعداد مقالات به‌جای کیفیت آن‌ها، به‌ویژه زمانی که استادان تحت فشار روانی برای تولید مقالات بیشتر هستند نه تنها دقت و کیفیت ارزیابی‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه باعث سطحی شدن داوری می‌شود. از طرف دیگر، فشارهایی که به دانشجویان تحصیلات تکمیلی برای چاپ مقاله وارد می‌شود، موجب افت انگیزه و افزایش اضطراب آن‌ها می‌گردد که در نهایت می‌تواند به کاهش کیفیت کلی تحقیقات، منتهی شود. وجود چنین فشارهایی گرچه تعداد مقالات چاپ‌شده در کشور را افزایش می‌دهد لیکن از غنا، اصالت و کیفیت پژوهش‌ها می‌کاهد. متأسفانه باوجود چنین شرایطی پژوهش‌های غیرکاربردی رواج یافته و کمتر پژوهشی بر حل مسئله‌ای واقعی از کشور متمرکز می‌شود. از میان یافته‌های ما در این قسمت تأثیر حجم بالای کار (تعداد زیاد مقالات نسبت به داوران) بر کیفیت داوری موردی است که با پژوهش‌های پیشین همسو است (پاندا، ۲۰۱۹).

مشکلات معطوف به شفافیت نیز به مواردی مانند ابهام در سیاست‌های پرداخت هزینه‌ها، تفاوت‌های ناعادلانه در هزینه‌های داوری و ابهام در ملاک‌ها و معیارهای ارزیابی اشاره دارد. وجود چنین مشکلاتی می‌تواند باعث سردرگمی و نارضایتی نویسندگان و داوران شده و موجب کاهش اعتماد به فرایند داوری گردد. ذهنی بودن ملاک‌های ارزیابی و نداشتن استانداردهای ثابت برای ارزیابی مقالات می‌تواند به یک داوری غیرمنصفانه و بی‌دقت منجر شود. تنوع گسترده فهرست واری‌ها و ملاک‌های ارزیابی که هماهنگی مشخصی با یکدیگر ندارند، شرایط را پیچیده‌تر می‌کند. علاوه بر این، فقدان ضریب و وزن دهی مناسب به نشانگرها باعث می‌شود که داوری‌ها بیشتر تحت تأثیر برداشت‌های شخصی و نظرات فردی قرار بگیرند تا ملاک‌ها و معیارهای علمی و استانداردهای معتبر. این ناهماهنگی‌ها تأثیر مستقیم فرایند داوری داشته و از کیفیت آن می‌کاهد.

بسیاری از نویسندگان به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی، برای بررسی اولیه مقالات خود مجبور به پرداخت هزینه‌های گزاف می‌شوند، اما اغلب از علت این هزینه‌ها و نحوه محاسبه آن‌ها اطلاع دقیقی ندارند. این ابهام باعث ایجاد احساس نارضایتی میان نویسندگان می‌شود. علاوه بر این، هزینه‌های داوری برای دانشجویان ممکن است فشار مالی زیادی به همراه داشته باشد. مسئله شفافیت

مسئله‌ای است که در پژوهش سیلوا (۲۰۱۵) که به مشکلات مربوط به انتشارات علمی پرداخته است نیز مشاهده می‌شود (تکسیارادی سیلوا و^۱ دبرانسکی ۲۰۱۵).

در مطالعه حاضر، محدودیت‌هایی نیز در ابعاد روش‌شناسی، نمونه‌گیری، تحلیل داده‌ها و عوامل بیرونی خارج از کنترل محقق وجود داشته است. در بعد محدودیت روش‌شناختی، با توجه به ماهیت کیفی و پدیدار شناختی مطالعه، یافته‌ها عمدتاً مبتنی بر تجربیات ذهنی مشارکت‌کنندگان است و به‌رغم ظرفیت بالای یافته‌ها در **تعمیم‌پذیری مفهومی**^۲ ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج به سایر حوزه‌های علمی یا مجلات خارجی محدود باشد. تعداد محدود مشارکت‌کنندگان، ممکن است تنوع کامل چالش‌های داوری در مجلات علوم رفتاری را پوشش ندهد. همچنین مطالعه بر روی افرادی متمرکز بود که تجربه‌ای در مجلات وزارت علوم داشتند، بنابراین یافته‌ها ممکن است شامل مشکلات خاص مجلات تحت پوشش سایر نهادها (مانند وزارت بهداشت) نباشد. امکان سوگیری در انتخاب مشارکت‌کنندگان وجود دارد، چراکه افراد دارای تجربیات منفی ممکن است تمایل بیشتری به بیان مشکلات داشته باشند. از سوی دیگر، باوجود تلاش محققان برای رعایت اصول و رویه‌های مرتبط با تعلیق و همچنین استفاده از راهبرد گلابزی و تحلیل داده‌ها، محتمل است، ذهنی بودن تفسیر مصاحبه‌های کیفی بر نتایج تأثیر گذاشته باشد. فقدان استفاده از روش‌های آمیخته (کیفی-کمی) برای روسازی بیشتر یافته‌ها ممکن است دقت نتایج را تحت تأثیر قرار دهد. به‌رغم تلاش برای نوآوری و کاربردی بودن راهکارهای پیشنهادی برای بهبود، ممکن است به ارزیابی عملی برای سنجش اثربخشی آن‌ها نیاز وجود داشته باشد. همچنین از محدودیت در بررسی تأثیر عوامل بیرونی، به عواملی مانند تأثیر سیاست‌های کلان پژوهشی کشور یا نقش نهادهای نظارتی بر فرایند داوری پرداخته نشده است. باوجود این محدودیت‌ها، یافته‌های این مطالعه می‌تواند چارچوبی برای شناسایی چالش‌های داوری در مجلات علمی وزارت علوم ارائه دهد، اما برای تعمیم‌پذیری بیشتر، انجام پژوهش‌های تکمیلی و همچنین استفاده از روش‌های کمی با نمونه‌های بزرگ‌تر و مطالعات تطبیقی با مجلات بین‌المللی پیشنهاد می‌شود.

هرچند در این پژوهش به دلیل ویژگی‌هایی که مطالعات کیفی دارد، قصد و امکان تعمیم آماری^۳ که در صورت رعایت شرایطی نظیر ۱. نمونه‌گیری تصادفی برای اطمینان از نماینده بودن نمونه، ۲. کفایت حجم نمونه برای کاهش خطای نمونه‌گیری در مطالعات کمی، امکان‌پذیر می‌شود، وجود ندارد، اما به دلیل رعایت شرایطی همچون ۱. وجود زمینه‌های مشابه، ۲. توصیف دقیق و غنی از داده‌ها، ۳. ارائه پشتوانه و انسجام نظری قوی مبتنی بر یافته‌ها و ۴. استفاده از نمونه‌های اطلاعات خیز^۴، قابلیت و فرصت تعمیم مفهومی^۵ یافته‌ها وجود دارد. تعمیم مفهومی در پژوهش‌های کیفی به سایر مکان‌ها (زمینه‌ها) زمانی اتفاق می‌افتد که یافته‌های تحقیق به‌صورت نظری یا منطقی به موقعیت‌های مشابه انتقال‌پذیر^۶ باشند؛ برخلاف پژوهش‌های کمی که تعمیم از طریق روش‌های آماری انجام می‌شود، در پژوهش کیفی، تعمیم مفهومی بیشتر وابسته به عمق تحلیل، غنای داده‌ها و تشابه زمینه‌ای است. این نوع تعمیم بیشتر، انعطاف‌پذیر و

¹ Teixeira da Silva, J. A., & Dobránszki

² conceptual generalization

³ statistical generalization

⁴ information-rich cases

⁵ theoretical/conceptual generalization

⁶ transferable

وابسته به تفسیر پژوهشگر و خواننده است، برخلاف تعمیم آماری که ثابت و عددمحور است. در این مطالعه به منظور تحقق تعمیم مفهومی، اقدامات زیر انجام گردید:

با توجه به تشابه زمینه‌ای^۱ در ابعادی نظیر ساختارهای مدیریتی، شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بین مجلات علمی تحت مدیریت وزارت علوم و مجلات تحت مدیریت وزارت بهداشت، تعمیم مفهومی ممکن است معتبر باشد. از سوی دیگر، با توجه به رعایت اصل غنای توصیفی^۲ که پژوهشگران حاضر تلاش کردند تا به منظور کمک به قضاوت دقیق‌تر خوانندگان اثر، توصیف عمیق و دقیقی از محیط، شرکت‌کنندگان و فرآیندهای گردآوری و تحلیل داده‌ها ارائه دهند به بهبود انتقال‌پذیری و تعمیم مفهومی یافته‌ها کمک نمایند. بدین منظور با استفاده از روایت‌های شرکت‌کنندگان، جزئیات شرایط و وضعیت داوری در مجلات وزارت علوم ارائه گردید و دیگر پژوهشگران می‌توانند شباهت‌های آن را با شرایط و وضعیت داوری مقاله‌ها در مجلات وزارت بهداشت و سایر مجلات در کشورها با ساختار مدیریتی مشابه ایران را بررسی کنند. از سوی دیگر و با توجه به اینکه نمونه‌های مورد مطالعه به‌صورت هدفمند از گروه‌های اطلاعات خیز نظیر اعضای هیئت علمی و دانشجویان مطلع انتخاب شدند، احتمال انتقال‌پذیری نتایج و تعمیم‌پذیری مفهومی یافته‌ها افزایش یافت. همچنین با توجه به استفاده از راهبردهای مرور متخصصان و مرور اعضا؛ با چندسویه‌سازی منابع جمع‌آوری داده‌ها (دانشجویان و اساتید)، اطمینان از تعمیم‌پذیری مفهومی یافته‌ها افزایش یافت. با توجه به یافته‌ها و محدودیت‌های مطرح‌شده، در ادامه **پیشنهادهای کاربردی** ارائه می‌شود. امید است با به‌کارگیری این راهکارها، شاهد ارتقاء کیفیت فرایند داوری و افزایش اعتبار علمی مجلات علمی به‌ویژه حوزه علوم رفتاری در وزارت علوم باشیم.

- **ایجاد سامانه و پایگاه داده رضایت‌سنجی از کاربران مجلات در مراحل مختلف تعامل کاربر - مجله و استفاده مستمر از نتایج**
این رضایت‌سنجی در ارزیابی مجلات و اعلام کیفیت مجلات؛ بدین منظور پیشنهاد می‌شود یک نماد با لینک مشخص بر صفحه اول تمامی مجلات علمی وزارت علوم قرار گیرد که هر کاربر برای آگاه شدن در هر مرحله از فرایند داوری مقاله خودش، به پاسخگویی به کار برگ رضایت‌سنجی از کیفیت عملکرد مجله در هر مرحله از مراحل که در تعامل با مجله است، ملزم باشد. داده‌های این رضایت‌سنجی، یک پایگاه داده منسجم و جامع را تشکیل می‌دهد که داده‌های آن مستقیماً و صرفاً در دسترس متولیان مربوطه در وزارت علوم قرار گیرد و مبتنی بر آن تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری لازم برای اعتبارسنجی، هدایت و تضمین کیفیت فعالیت مجلات علمی را فراهم سازد.
- **با توجه به نقش کلیدی موتورهای جستجو و پایگاه‌های نمایه‌سازی علمی در شناسایی و شمارش استنادات مقالات، و نظر به اینکه این سامانه‌ها عمدتاً استنادات انگلیسی را به‌درستی شناسایی و ثبت می‌کنند، پیشنهاد می‌شود مجلات علمی تحت مدیریت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به منظور افزایش دیده‌شدن و تعداد استنادات مقالات نویسندگان ایرانی، سیاست یکپارچه‌سازی زبان استناد و منبع‌نویسی را اتخاذ نمایند.** بر این اساس، تمامی استندهای درون‌متنی و فهرست منابع در مقالات، حتی در نشریات فارسی‌زبان، به زبان انگلیسی درج شود تا امکان شناسایی و نمایه‌سازی بهتر توسط موتورهای جستجو و پایگاه‌های بین‌المللی فراهم گردد. این اقدام می‌تواند به ارتقای شاخص‌های استنادی و جایگاه علمی نویسندگان و مجلات کشور کمک شایانی نماید.

1 contextual similarity

2 thick description

- برای تسهیل فرآیند پژوهش و ارتقای کیفیت انتخاب مجلات علمی، پیشنهاد می‌شود سامانه‌ای مبتنی بر محورهای تخصصی مجلات طراحی و راه‌اندازی شود که به صورت یک پایگاه داده جامع، امکان جستجو و شناسایی دقیق مجلات مرتبط با محتوای مقالات پژوهشگران را فراهم آورد. این سامانه با دسته‌بندی موضوعی و ارائه ابزارهای جستجوی پیشرفته، پژوهشگران را در یافتن مجلات مناسب برای ارسال مقالات خود یاری می‌کند و به این ترتیب، فرآیند انتشار علمی را تسهیل و بهینه می‌سازد. چنین سامانه‌ای می‌تواند با بهره‌گیری از اطلاعات به‌روز و معتبر مجلات، نقش مهمی در ارتقای دسترسی به منابع علمی و افزایش کارایی پژوهش‌ها ایفا کند.
- رتبه‌بندی مجلات بر اساس داده‌های رضایت‌سنجی و برگزاری همایش تجارب موفق در مدیریت موفق نشریات علمی
- تفکیک کار برگ‌های ارزیابی متناسب با هر یک از رویکردهای پژوهش کمی، کیفی، آمیخته؛ بر اساس ویژگی‌های هر یک از این رویکردها، کار برگ‌های تخصصی تنظیم‌شده و مورد استفاده قرار گیرد.
- برای ارتقاء کیفیت ارزیابی مقالات علمی، پیشنهاد می‌شود زمینه‌هایی فراهم گردد تا ارزیابی‌ها به صورت گروهی و تخصصی با استفاده از ماتریس‌های استاندارد انجام شود. همچنین، برگزاری همایش سالانه‌ای به منظور معرفی و تجلیل از برترین آثار منتشر شده در مجلات علمی، می‌تواند انگیزه‌ای موثر برای پژوهشگران ایجاد کرده و سطح کیفی تولیدات علمی را به طور قابل توجهی ارتقا بخشد. این رویکرد هم‌افزایی تخصصی و رقابت سازنده را در جامعه علمی تقویت می‌کند و موجب ارتقاء جایگاه علمی کشور در عرصه بین‌المللی خواهد شد.
- ایجاد یک سامانه و پایگاه داده تخصصی مبتنی بر محورهای موضوعی مجلات علمی، با هدف تسهیل جستجو و شناسایی مجلات مناسب برای انتشار مقالات پژوهشگران بر اساس محتوای علمی آثار آن‌ها. این سامانه با دسته‌بندی دقیق مجلات و ارائه ابزارهای جستجوی پیشرفته، امکان تطبیق دقیق‌تر موضوع مقاله با حوزه‌های تخصصی مجلات را فراهم می‌کند و به ارتقای اثربخشی فرآیند انتخاب مجله کمک می‌نماید.
- توسعه همکاری‌های هدفمند با مجلات معتبر بین‌المللی و طراحی بسته‌های حمایتی و مشوق‌های مؤثر به منظور ارتقاء کیفیت و افزایش نمایه‌سازی مقالات پژوهشگران داخلی در پایگاه‌های استنادی بین‌المللی مانند Scopus و Web of Science این بسته‌ها می‌تواند شامل حمایت مالی، تسهیل فرایند ترجمه و ویرایش علمی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و ارائه مشاوره تخصصی برای آماده‌سازی مقالات جهت انتشار در مجلات بین‌المللی باشد.
- چندرسانه‌سازی انتشار مقالات با استفاده از چکیده‌های تصویری و به ویژه پادکست‌های صوتی؛ در کنار فایل PDF مقالات، پادکست صوتی MP3 ارائه شود. این امر به جذابیت و فرهنگ استفاده از یافته‌های علمی در جامعه کمک شایانی می‌کند.
- چندزبانه‌سازی مجلات علمی با استفاده از زبان‌های فارسی، انگلیسی، عربی و چینی، به منظور گسترش دسترسی و ارتقای جایگاه مرجعیت علمی، اقدامی راهبردی و کاربردی است که می‌تواند زمینه‌ساز تبادل گسترده‌تر دانش و افزایش تأثیرگذاری پژوهش‌ها در سطح بین‌المللی باشد. این رویکرد با فراهم آوردن امکان انتشار و بهره‌برداری از مقالات در زبان‌های مختلف، نقش مهمی در ارتقای تعاملات علمی و تقویت ارتباطات پژوهشی میان جوامع علمی مختلف ایفا می‌کند.

- استانداردسازی و به‌روزرسانی قالب‌های استناددهی و استفاده از قالب یکپارچه برای مجلات وزارت علوم؛ در بسیاری از مجلات وزارت علوم به صورت متفاوت نسخه‌های چهارم، پنجم، ششم و هفتم APA دیده می‌شود که به نوعی نشانگر نبود نظم روش‌شناختی در راهبردی و ارزیابی کیفیت نظام استناددهی در مجلات است
- ایجاد امکان ورود به هیئت تحریریه برای نویسندگان تخصصی و با سابقه و نظارت بر عملکرد اعضای هیئت تحریریه در مجلات
- ضروری است که شاخص‌های ارزیابی در فرم‌های داوری به گونه‌ای طراحی و وزن‌دهی شوند که تفکیک مقالات بر اساس سه رویکرد کیفی، کمی و آمیخته به طور مجزا لحاظ گردد. این اقدام موجب افزایش دقت و عدالت در فرایند ارزیابی شده و امکان سنجش متناسب با ویژگی‌های هر نوع رویکرد پژوهشی را فراهم می‌سازد.
- شفاف‌سازی هزینه‌ها و مسائل مالی برای داوران و نویسندگان و متناسب‌سازی هزینه‌های دریافتی با مراحل مقاله در فرایند آن قرار دارد.
- برگزاری سالانه نشست‌های تخصصی به منظور ارتقاء کیفیت پژوهش‌ها و تقدیر از مقاله‌های برتر، داوران برجسته و مجلات برتر در سامانه مجلات وزارت علوم، اقدامی علمی و کاربردی است که می‌تواند انگیزه‌بخشی به پژوهشگران و داوران را افزایش داده و سطح کیفی نشریات علمی را بهبود بخشد. این رویدادها با ایجاد فضای رقابتی سالم و شناسایی دستاوردهای برجسته، نقش مؤثری در ارتقاء جایگاه علمی کشور ایفا می‌کنند.
- یکپارچه‌سازی داده‌های سامانه‌های مجلات و نظارت مستمر و اثرگذار بر کیفیت آن
- ایجاد شبکه داوران حرفه‌ای به منظور افزایش میزان و کیفیت مشارکت متخصصان با مجلات علمی؛ ایجاد شبکه داوران حرفه‌ای و اعطای امتیاز حرفه‌ای قابل توجه به داوری در مجلات در آیین‌نامه‌های ترفیع و ارتقا یا جذب و استخدام، می‌تواند به پویایی و مشارکت بیشینه و بهینه متخصصان در فعالیت داوری مجلات علمی کمک شایانی نماید.
- با توجه به سازگاری موتور جستجوها در شناسایی استنادات به مقاله‌ها با توجه به استنادات درون‌متنی انگلیسی و به منظور افزایش تعداد استنادات مقاله‌های نویسندگان کشور، در مجلات تحت مدیریت وزارت علوم خواسته شود تا به صورت یکپارچه هم به صورت درون‌متنی و هم برون‌متنی، استنادها و منبع‌نویسی‌ها در همه آثار مورد استفاده به صورت انگلیسی باشد.

تشکر و قدردانی

از همه افراد به‌ویژه مشارکت‌کنندگانی که دلسوزانه با صرف وقت خود و ارائه نکات مناسب، ما را در پیشبرد این پژوهش یاری کردند سپاسگزاریم.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی در رابطه با نتایج پژوهش ندارند.

References

- Abooyee Ardakan, M., Mirzaie, S. A., & Sheikhshoei, F. (2013). The Peer-Review Process for Articles in Iran's Scientific Journals. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 28(2), 305-346. [In Persian]
- Baniasadi, A., & Salehi, K. (2019). Introduction on the Principles and Process of Construction and Validation of the Interview Protocol. *Journal of Higher Education Letter*, 12(46), 177-203. [In Persian]
- Blackburn, J. L., & Hakel, M. D. (2006). An Examination of Sources of Peer-Review Bias. *Psychological Science*, 17(5), 378-382. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9280.2006.01715.x>
- Bornmann, L., & Daniel, H.-D. (2010). The Usefulness of Peer Review for Selecting Manuscripts for Publication: A Utility Analysis Taking as an Example a High-Impact Journal. *PLOS ONE*, 5(6), e11344. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0011344>
- Clark, V. L. P., & Creswell, J. W. (2014). *Understanding Research: A Consumer's Guide*. Pearson Education.
- Colaizzi, P. F. (1978). Psychological Research as the Phenomenologist Views It. In R. S. Valle & M. King (Eds.), *Existential-phenomenological alternatives for psychology* (p. 6). Oxford University Press.
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2017). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches*. SAGE Publications.
- Ebrahimpour Mouziraji, Z., Sanagoo, A., & Jouybari, L. (2022). A Different Look at Peer-Reviewing of Articles. *Iranian Journal of Medical Education*; 22 :154-155 URL: <http://ijme.mui.ac.ir/article-1-5484-fa.html>. [In Persian]
- El-Guebaly, N., Foster, J., Bahji, A., & Hellman, M. (2023). The critical role of peer reviewers: Challenges and future steps. *Nordisk Alkohol- & Narkotikatidskrift: NAT*, 40(1), 14-21. <https://doi.org/10.1177/14550725221092862>
- Ghorbankhani, M., & Salehi, K. (2022). Explanation the deterrent dysfunctions of scientific authority in the humanities. *Iranian Pattern of Progress*, 10(3), 35-70. <https://dori.net/dor/20.1001.1.23295599.1401.10.3.6.4>. [In Persian]
- Ghorbankhani, M., Salehi, K., & Moghadamzadeh, A. (2021). The Consequences of the Formation of Pseudo Evaluation Culture in Elementary Schools: A Phenomenological Approach. *Educational and Scholastic studies*, 10(2), 261-297. [in Persian]. https://pma.cfu.ac.ir/article_1734.html?lang=en. [In Persian]
- Hope, A. A., & Munro, C. L. (2019). Criticism and Judgment: A Critical Look at Scientific Peer Review. *American Journal of Critical Care*, 28(4), 242-245. <https://doi.org/10.4037/ajcc2019152>
- Mohammadzadeh, Z., & Salehi, K. (2015). Pathology of scientific vitality and dynamism in scientific and academic centers: A study according to "Phenomenology". *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 3(Vol 3- No 11), 1-25. https://www.jmsp.ir/article_11013.html?lang=en. [In Persian]
- Mohammadzadeh, Z., & Salehi, K. (2016). Explanation of the Phenomenon of Scientific Vitality and Dynamism in Scientific Centers from Perspective of Academic Elites: A Study According to "Phenomenology". *Strategy*, 25(2), 227-258. https://rahbord.csr.ir/article_124595.html?lang=en. [In Persian]
- Mohammadzadeh, Z., & Salehi, K. (2023). Using Grounded Theory to Explain the Process of formation of scientific vitality and dynamism in scientific and academic centers. *Strategic Management Thought*, 17(1), 39-76. https://smt.isu.ac.ir/article_76755.html?lang=en. [In Persian]
- Motallebifard, A., Navehebrahim, A., Mohabbat, H., & Sadin, A. A. (2013). *Diagnosis And Scientific Framework Development Of Peer Review: A Qualitative Approach*. 6(22), 73-83. [In Persian]
- Noroozi Chakoli, A. (2011). *Introduction To Scientometric (Fundamentals, Concepts, Relationships and Roots)*. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (SAMAT). [In Persian]
- Oleinik, A. (2014). Conflict(s) of Interest in Peer Review: Its Origins and Possible Solutions. *Science and Engineering Ethics*, 20(1), 55-75. <https://doi.org/10.1007/s11948-012-9426-z>
- Okasha, S. (2016). *Philosophy of Science: Very Short Introduction*. OUP Oxford.
- Panda, S. (2019). The peer review process: Yesterday, today and tomorrow. *Indian Journal of Dermatology, Venereology and Leprology*, 85, 239. https://doi.org/10.4103/ijdv.IJDVL_296_19
- *Peer Review Process And Instructions For Authors*. (N.D.). https://www.elsevier.com/_data/promis_misc/ejtc-peer-review.pdf

- Peters, D. P., & Ceci, S. J. (1982). Peer-review practices of psychological journals: The fate of published articles, submitted again. *Behavioral and Brain Sciences*, 5(2), 187–195. <https://doi.org/10.1017/S0140525X00011183>
- Rajabali Bagloo, R., Hajiazizi, N., Thagha-ol-Eslami, A., Karimi, E., & Rajabali Bagloo, Z. (2019). Review of refereeing ethics in Iranian scientific journals: A case study of compiling a refereeing ethics charter in the quarterly journal Information Processing and Management. Tehran: *Iranian Institute of Information Science and Technology* [In Persian].
- Resnik, D. B. (2005). *The ethics of science: An introduction*. Routledge.
- Resnik, D. B., Gutierrez-Ford, C., & Peddada, S. (2008). Perceptions of Ethical Problems with Scientific Journal Peer Review: An Exploratory Study. *Science and Engineering Ethics*, 14(3), 305–310. <https://doi.org/10.1007/s11948-008-9059-4>
- Salehi, K., & Golafshani, N. (2010). Commentary: Using mixed methods in research studies: An opportunity with its challenges. *International journal of multiple research approaches*, 4(3), 186–191. <https://doi.org/10.5172/mra.2010.4.3.186>
- Teixeira da Silva, J. A., & Dobránszki, J. (2015). Problems with Traditional Science Publishing and Finding a Wider Niche for Post-Publication Peer Review. *Accountability in Research*, 22(1), 22–40. <https://doi.org/10.1080/08989621.2014.899909>
- Teixeira da Silva, J. A., & Yamada, Y. (2022). Accelerated Peer Review and Paper Processing Models in Academic Publishing. *Publishing Research Quarterly*, 38(3), 599–611. <https://doi.org/10.1007/s12109-022-09891-4>
- Tennant, J. P., & Ross-Hellauer, T. (2020). The limitations to our understanding of peer review. *Research Integrity and Peer Review*, 5(1), 6. <https://doi.org/10.1186/s41073-020-00092-1>
- Ziman, J. M. (2000). *Real Science: What It is, and What It Means*. Cambridge University Press.